



Original Article

Regulation of Freedom of Speech in Cyberspace: A Comparative Study in United States, European Union and Iranian Law

Mohammad Hossein Zarei¹, Saeedeh Mazinanian²

ABSTRACT

Cyberspace is rapidly turning into a major tool for exercising the right to freedom of speech. Cyberspace amalgamates in the media the right to receive and the right to release information, ideas, and beliefs in the form of a written text, audio or video file. In parallel with the creation of access and the possibility of broadcasting a huge amount of information for millions of audiences to the extent of all people who have access to a computer and a telephone line, the virtual space brings new challenges and legal issues that require their correct and optimal regulation. Therefore, in this Article, by resorting to an interdisciplinary approach, it has been investigated and evaluated the methods of regulating freedom of expression in the two fields of child pornography and spreading hatred in cyberspace. The results of this research determine how effective the regulation methods are currently and also how effective and efficient regulation methods should be in the field in question.

KeyWords: Freedom of Speech, Cyberspace, Regulation, Spreading Hatred, Pornography

How to Cite: Zarei, Mohammad Hossein, Mazinanian, Saeedeh, "Regulation of Freedom of Speech in Cyberspace: A Comparative Study in United States, European Union and Iranian Law", Legal Research, Vol. 27, No. 107, 2024, pp:61-84.

DOI: <https://doi.org/10.48308/jlr.2020.184500.1501>

Received: 08/12/2019-Accepted: 16/08/2019

1. Associate Professor, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

2. Ph.D., Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

Corresponding Author Email: saeede.mazinani@yahoo.com



Copyright: © 2024 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



مقاله علمی-پژوهشی

تنظیم‌گری آزادی بیان در فضای مجازی (مطالعه تطبیقی در حقوق ایالات متحده آمریکا،
اتحادیه اروپا و ایران)محمدحسین زارعی^۱، سعیده مزینانیان^۲

چکیده

فضای مجازی به سرعت به ابزار کلیدی استیفای حق آزادی بیان تبدیل شده است. فضای مجازی هم حق دریافت و هم حق بیان و انتشار اطلاعات، ایده‌ها و عقاید، به صورت نوشتاری یا از طریق صدا یا ویدئو را در یک رسانه با هم ترکیب می‌کند. فضای مجازی به موازات ایجاد دسترسی و امکان پخش حجم عظیمی از اطلاعات برای مخاطبان میلیونی تا گستره همه افرادی که به رایانه و خط تلفن دسترسی دارند، چالش‌ها و موضوعات حقوقی جدیدی به همراه دارد که تنظیم‌گری صحیح و مطلوب آنها را الزامی می‌کند. از این رو، در این مقاله تلاش شده است با توسل به رویکرد میان‌رشته‌ای، روش‌های تنظیم‌گری آزادی بیان در دو حوزه هرزه‌نگاری کودکان و نفرت‌پراکنی در فضای مجازی مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد. نتایج این تحقیق مشخص می‌کند روش‌های تنظیم‌گری در حال حاضر تا چه حد کارآمد است و همچنین روش موثر و کارآمد برای تنظیم‌گری در حوزه مورد بحث چگونه باید باشد.

کلید واژگان: آزادی بیان، فضای مجازی، تنظیم‌گری، نفرت‌پراکنی، هرزه‌نگاری.

استناد به این مقاله: زارعی، محمدحسین، مزینانیان، سعیده، «تنظیم‌گری آزادی بیان در فضای مجازی (مطالعه تطبیقی در حقوق ایالات متحده آمریکا، اتحادیه اروپا و ایران)»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، دوره ۲۷، شماره ۱۰۷، آبان ۱۴۰۳، صص: ۶۱-۸۴.

DOI: <https://doi.org/10.48308/jlr.2020.184500.1501>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۹/۱۷ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۵/۲۶

۱. دانشیار، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران
 ۲. دکتری، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران
- ایمیل نویسنده مسئول: saede.mazinani@yahoo.com



Copyright: © 2024 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

مقدمه

آزادی بیان یکی از حقوق اولیه انسان‌هاست که به افراد امکان می‌دهد در کمال آزادی دیدگاه‌ها و عقاید خود را ابراز، در مباحث سیاسی یا غیرسیاسی شرکت و از مفاهیم قدیمی انتقاد و مفاهیم جدیدی ارائه کنند. آزادی بیان فقط مربوط به سیاست نیست، بلکه پیش‌شرطی برای برخورداری از دیگر آزادی‌ها و حقوق انسانی است. باین‌حال، این آزادی حق مطلق نیست؛ زیرا حدود آن به واسطه دیگر حقوق اساسی انسان و منافع عمومی مشروع تعیین می‌شود. به همین دلیل، هیچ فرمولی برای تعیین دامنه و محدودیت‌های آزادی بیان وجود ندارد. به‌علاوه، آزادی بیان مقوله‌ای ساکن نیست، بلکه در طول تاریخ به تدریج شکل گرفته است و آنچه امروز به نام آزادی بیان می‌شناسیم، چند قرن پیش یا حتی چند سال پیش فراخوانی برای انقلاب محسوب می‌شد. یکی از مشکلاتی که بر سر راه تعریف آزادی بیان وجود دارد، وجود تعبیر مختلف در سراسر جهان است؛ چیزی که در یک کشور مناسب تلقی می‌شود، در کشور دیگری ممکن است این‌گونه محسوب نشود. اعضای جامعه بین‌المللی-کشورها- سیستم‌های سیاسی خودشان را دارند و این سیستم‌ها هستند که مقیاس احترام به آزادی بیان را تعیین می‌کنند.

برای مثال، هرچند سازمان‌های بین‌المللی تلاش زیادی کرده‌اند تا توهین را از حالت غیرقانونی خارج کنند، در بسیاری از کشورها توهین یا بدگویی از سایرین باعث می‌شود افراد تحت دادرسی کیفری قرار بگیرند.^۱ بنابراین، در برخی موارد، «نقض» حق آزادی بیان و عقیده می‌تواند عواقب شدیدی در پی داشته باشد.

افزون بر این، با توجه به جنبه‌های جهانی فضای مجازی، تعریف واحدی از آزادی بیان-دامنه و حدود آن- دست‌نیافتنی به نظر می‌رسد و از آنجایی که سیستم سیاسی یک کشور بر مبنای قانون اساسی شکل گرفته و پایه و اساس وضع دیگر قوانین، نظام‌نامه‌ها و غیره است، دولت‌ها حق خود می‌دانند آنها را در قلمرو خود کنترل و تنظیم کنند. آنها با قانون‌گذاری‌های ملی، چارچوب آزادی بیان را معین و وظایف و مسئولیت‌ها، حقوق و تعهدات را تعریف می‌کنند. باین‌حال، در مورد فضای مجازی این روش چندان کارآمد نیست؛ چراکه اعمال و اجرای هر قانونی در این زمینه، به تدوین و تصویب قانون از سوی بیش از یک کشور نیاز دارد. از این‌رو تردیدی وجود ندارد که توسعه و گسترش فضای مجازی و همچنین بهره‌مندی از فواید آن، نیازمند اتخاذ سیاست‌هایی است که از آن به عنوان تنظیم‌گری یاد می‌شود. آزادی بیان نیز از این قاعده مستثنی نیست؛ تنظیم‌گری صحیح در جهت تضمین آزادی بیان از سوءاستفاده‌های احتمالی از این حق جلوگیری می‌کند و به مردم اطمینان دسترسی و استفاده از فضای مجازی امن را می‌دهد.

طی سالیان اخیر استفاده از فضای مجازی در کشور ایران مانند سایر کشورها گسترش پیدا کرده است؛ بنابراین در این شرایط برای پاسخگویی به نیازهای در حال رشد جامعه، باید تنظیم‌گری صحیح و مطلوب برای تضمین حقوق بنیادین اشخاص از جمله حق آزادی بیان اتخاذ شود. با توجه به وضعیت موجود و مسائلی که در حال بروز است، روشن است که تدابیر قانونی جامعی در کشور ایران وجود ندارد. در این مقاله تلاش شده تا چالش‌های موجود در تنظیم‌گری آزادی بیان در فضای مجازی و راهکارهای خروج از وضعیت موجود شناسایی و تبیین شود. به همین لحاظ در بخش نخست این مقاله به نقش دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای در حمایت از آزادی بیان پرداخته می‌شود، سپس در بخش دیگر روش‌های تنظیم‌گری آزادی بیان در فضای مجازی مورد بحث و تحلیل قرار می‌گیرد و در نهایت در بخش پایانی مقاله به ارزیابی آثار تنظیم‌گری آزادی بیان در فضای مجازی به‌عنوان رویکردی نظام‌مند برای ایجاد تحول در فرایند

^۱. Baker, C. E. *Human Liberty and Freedom of Speech*, London: Oxford University Press, 1989, P 73.

تنظیم‌گری در این حوزه خواهیم پرداخت. با ارزیابی آثار تنظیم‌گری توجه نهادهای تنظیم‌گر به موضوعاتی مانند هزینه، فایده قوانین و مقررات و جایگزین‌های آنها جلب می‌شود که انجام این موضوع موجب نهادینه‌سازی آیین‌ها و روش‌های تنظیم‌گری جدید خواهد شد.

۱. نقش دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای در حمایت از آزادی بیان

فارغ از اینکه در سال‌های اخیر قوانین و مقرراتی به‌صورت خاص در زمینه حق آزادی بیان در فضای مجازی به تصویب رسیده است، در ادامه با توجه به اینکه فرض ما بر این است که فضای مجازی صرفاً بستر و ابزاری نوین برای آزادی بیان است و از بُعد مبانی تضمین‌کننده حق آزادی بیان تفاوت چندانی با فضای حقیقی ندارد؛ لذا مقررات و کنوانسیون‌های تصویب‌شده در قلمرو ملی کشورها حوزه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی به‌عنوان تبلور رسمیت یافته مبانی حقوقی حق آزاد بیان مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱.۱. حقوق بین‌الملل

در این بخش کنوانسیون‌های بین‌المللی سازمان ملل متحد و منطقه‌ای شورای اروپا در حوزه آزادی بیان در فضای مجازی مورد بحث و تحلیل قرار خواهد گرفت.

۱.۱.۱. سازمان ملل متحد

در ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸، مجمع عمومی سازمان ملل متحد اعلامیه جهانی حقوق بشر را تصویب و منتشر کرد. ماده ۱۹ این اعلامیه تصریح می‌کند که آزادی بیان مشمول ملاحظات مرزی نمی‌شود. این اعلامیه تنها سند با بالاترین اهمیت سیاسی و دیپلماتیک است که منبعی برای قانون و حقوق عرفی به شمار می‌رود؛ چراکه از سوی تمامی کشورهای عضو پذیرفته شده و به شیوه‌های مختلف در سیستم‌های قضایی ملی گنجانده شده است. با وجود این، اعلامیه جهانی در شرایط مختلفی که لازم است بین آزادی بیان و حدود آن توازن برقرار شود، کاری از پیش نمی‌برد. به عبارت دیگر، این اعلامیه صرفاً آزادی بیان را به‌عنوان یکی از حقوق اساسی همه انسان‌ها مطرح می‌کند. با تمام اینها، در مورد آزادی بیان در اینترنت کاربرد دارد؛ چراکه صراحتاً اعلام می‌کند این آزادی «در هر رسانه و صرف‌نظر از تمام مرزها» وجود دارد.^۱

یکی دیگر از اسناد مهم سازمان ملل، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی است که در ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ تصویب شد و در ۲۳ مارس ۱۹۷۶ به اجرا درآمد. در ماده ۱۹ این میثاق^۲ به حق آزادی بیان اشاره شده است و با توجه به عموم و اطلاق ماده موصوف قابل استناد در خصوص آزادی بیان در فضای مجازی است.

^۱. Bollinger, Lee. *The Tolerant Society*, USA: Oxford University Press, 1988, PP 41-42.

^۲. ماده ۱۹. ۱. هیچ‌کس نباید به‌خاطر عقایدش مورد آزار و اذیت قرار گیرد. ۲. هر کسی حق آزادی بیان دارد. این حق شامل آزادی در تحصیل و تفحص، انتشار هر نوع ایده و اطلاعات بدون توجه به سرحدات مرزی، به‌صورت شفاهی یا مکتوب، در قالب هنر یا با وسیله دیگری به انتخاب خود فرد است. ۳. اعمال حقوق مذکور در بند ۲ این ماده مستلزم حقوق و مسئولیت‌های خاص است و لذا ممکن است تابع محدودیت‌های معینی بشود که در قانون تصریح شده و برای امور ذیل ضرورت داشته باشد:

الف) احترام به حقوق یا حیثیت دیگران

ب) حفظ امنیت ملی یا نظم عمومی یا سلامت و اخلاق عمومی.

<http://www.unic-ir.org/hr/convenant-cp.htm> (last visited on 2/04/2019)

۱.۱.۲. شورای اروپا

رکن اصلی شورای اروپا و سندی که به دادگاه اروپایی حقوق بشر امکان می‌دهد در صورت نقض حقوق بشر وارد عمل شود، کنوانسیون حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی اروپا و ماده ۱۰ آن است^۱ و از نظر دادگاه اروپایی حقوق بشر و کشورهای عضو آن، آزادی بیان نامحدود نیست؛ چراکه براساس پاراگراف ۲ ماده ۱۰ این کنوانسیون، اعمال آزادی بیان ممکن است با برخی «فرمول‌ها، شرط‌ها، محدودیت‌ها یا جریمه‌ها» توأم باشد. با این حال، این محدودیت‌ها باید از پیش توسط قانون شرح داده شده باشد و همه از آن مطلع باشند.^۲

همچنین هر محدودیتی باید هدف مشروع و برحق داشته و منفعتی که حمایت از آن را مشروع می‌کند در پی داشته باشد. این منافع مشروع شامل حمایت از امنیت ملی، تمامیت ارضی یا امنیت، سلامت و اخلاق عمومی، حمایت از آبرو یا حقوق سایرین، پیشگیری از بروز اختلال و جنایت، افشا اطلاعات محرمانه، بی‌طرفی در قضاوت یا ابقا مرجع ذی صلاح است.

در یکی از مهم‌ترین اقدامات، شورای اروپا کنوانسیون جرایم سایبری را در ۲۳ نوامبر ۲۰۰۱ تأسیس کرد. این کنوانسیون حاصل تلاش‌های متعدد سازمان‌ها، دولت‌های ملی و بخش‌های خصوصی برای حل معضل سوءاستفاده از تکنولوژی‌های جدید و خطر روبه رشد جرایم کیفری بود که از طریق شبکه‌های کامپیوتری صورت می‌گرفت. بعد از این معاهده، در ۲۸ ژانویه ۲۰۰۳، شورای اروپا پروتکلی الحاقی به کنوانسیون ضمیمه کرد که مربوط به جرم‌انگاری علیه اعمال نژادپرستانه و بیگانه‌ستیزی از طریق سیستم‌های کامپیوتری بود. این کنوانسیون برای کشورهای عضو شورای اروپا و «کشورهای غیرعضو که در تعیین جزئیات آن شرکت داشته‌اند و سایر کشورهای غیرعضو که می‌توانند به آن دسترسی داشته باشند» ایجاد تعهد می‌کند.^۳

کشورهای عضو پروتکل الحاقی توافق کرده‌اند در مواردی که با اشاعه مفاد نژادپرستانه و بیگانه‌هراسی، تهدید و توهین‌هایی که با انگیزه‌های نژادپرستانه و یا بیگانه‌هراسی صورت می‌گیرند، مقررات و شروط قانونی را رعایت کنند و حتی مسئولیت‌های کیفری را در این خصوص پیش‌بینی کنند. بر این اساس، پروتکل الحاقی یک نمونه از اسناد الزام‌آور است که قوانینی در زمینه آزادی بیان در اینترنت - از طریق دستگاه‌های کامپیوتری - در آن تصویب شده است. این پروتکل مطالب مربوط به بیگانه‌هراسی و نژادپرستی را تهدیدی جدی برای جامعه می‌داند. براساس ماده ۲: «مطالب نژادپرستانه و بیگانه‌هراسی» به معنی هر متن مکتوب، تصویری و به‌طور کلی ارائه ایده‌ها یا نظریات به روش‌های مختلف و به‌گونه‌ای است که تفاوت‌های نژادی، رنگ، پیشینه نسلی، ملی یا اخلاقی و همین‌طور مذهبی را به‌عنوان دستاویزی برای طرفداری، تشویق یا تحریک دشمنی، تبعیض یا خشونت علیه یک یا گروهی از افراد قرار دهد.

شورای اروپا علاوه بر کنوانسیون‌ها (حقوق بشر و جرایم سایبری) و پروتکل‌های مربوط به آن، اسناد دیگری نیز دارد که

۱. ماده ۱۰: هرکس از حق آزادی بیان برخوردار است. این حق باید شامل آزادی داشتن عقاید و دریافت و بیان اطلاعات و ایده‌ها بدون دخالت مقامات دولتی و بدون در نظر گرفتن مرزبندی‌های جغرافیایی باشد. این ماده مانع تقاضای دولت‌ها برای دریافت مجوز برای انتشار اخبار یا فعالیت‌های بنگاه‌های تلویزیونی و سینمایی نخواهد بود.

۲. <http://www.maqsoumi.ir> (Last visited on 2/04/2019). -حقوق بشر- کنوانسیون اروپایی -حمایت از- حقوق بشر- (Last visited on 2/04/2019).

۳. https://www.europarl.europa.eu/meetdocs/2014_2019/documents/libe/dv/7_conv_budapest_/ (last visited on 10/07/2019).

این کنوانسیون پس از تصویب، از ۱ جولای ۲۰۰۴ اجرا شده است. همچنین پروتکل الحاقی به عنوان یکی از معاهدات وابسته به کنوانسیون جرایم سایبری برای همه کشورهای اروپایی که این کنوانسیون را امضا کرده‌اند، همچنان باز است. شرایط امضای پروتکل الحاقی در مقایسه با کنوانسیون، پیچیده‌تر است؛ پنج کشور عضو کنوانسیون پروتکل را امضا نکردند.

مستقیم یا غیرمستقیم به مسئله آزادی بیان در اینترنت می‌پردازند. هرچند قدرت اجرایی این اسناد با کنوانسیون برابری نمی‌کند، آنها نیز منبع قدرتمندی از استانداردهای آزادی بیان و تکنولوژی‌های جدید هستند.

در ۵ سپتامبر ۲۰۰۱، کمیته وزرا شورای اروپا، توصیه‌نامه‌ای در خصوص خودتنظیمی محتواهای سایبری (خودتنظیمی و حفاظت از کاربران در برابر محتواهای غیرقانونی یا آسیب‌زا سرویس‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی نوین)^۱ تصویب کرد. این توصیه‌نامه تعریفی از محتواهای غیرقانونی یا آسیب‌زا ارائه نکرده و خواستار تأسیس سازمان‌های خودتنظیم‌شونده همچون شرکت‌های ارائه‌دهنده خدمات اینترنتی و تهیه منشور اخلاقی مربوط به آنهاست. براساس ماده ۱۲ این توصیه‌نامه، سیستم‌هایی همچون خط تلفن ویژه باید توسط شرکت‌های ارائه‌دهنده خدمات اینترنتی و تولیدکنندگان محتوا به منظور حفاظت از کاربران در برابر محتوای غیرقانونی ایجاد شود. به علاوه، از آنجا که نقش این مؤسسات کپی، جمع‌آوری و ارسال «محتوای غیرقانونی برای مقامات مجری قانون» است، لازم است مزایای خاصی به آنها تعلق گیرد.^۲

سند دیگری که به تعریف نقش بخش خصوصی در زمینه آزادی بیان در اینترنت می‌پردازد، اعلامیه آزادی ارتباطات در اینترنت است^۳ که در ۲۸ می ۲۰۰۳ به تصویب کمیته وزرا رسید. یکی از قواعد این اعلامیه این است که مکانیسم‌های خودتنظیمی را برای نشر محتوا در اینترنت ترویج دهد. براین اساس، این اعلامیه از شرکت‌های ارائه‌دهنده خدمات اینترنتی می‌خواهد قواعد و اصول خود را در همان چارچوبی که از سوی دولت‌های ملی تعریف شده است، پیاده کنند. هرچند کشورها نباید دست به فیلتر یا بلاک بزنند، ممکن است فیلترهایی در مکان‌های خاصی نظیر مدارس و کتابخانه‌ها که برای خردسالان قابل دسترس است به منظور حمایت از آنها نصب شود (اصل شماره ۳).^۴ همچنین براساس اصل ۶، اعلامیه سطح بالایی از مسئولیت‌پذیری از جانب شرکت‌های ارائه‌دهنده خدمات اینترنتی مطالبه شده است؛ به طوری که آنها را ملزم می‌داند «در صورت مشاهده مطالب اینترنتی با محتوای غیرقانونی یا درخواست خرابکاری یا مواجهه با شرایطی دال بر غیرقانونی بودن فعالیت یا اطلاعات منتشرشده، سریعاً در راستای حذف یا قطع دسترسی به اطلاعات یا خدمات اقدام کنند». درنهایت، یکی از اصول اعلامیه به مسئله ناشناس بودن کاربران و تجسس‌های آنلاین می‌پردازد و ضمن تأکید بر اهمیت احترام به حق ناشناس ماندن افراد، روش‌هایی را که برای شناسایی و ردیابی آنلاین مجرمان به کار می‌رود مشروع و قانونی می‌داند. از آنجا که این کار بدون همکاری متقابل شرکت‌های ارائه‌دهنده خدمات اینترنتی امکان‌پذیر نیست، این شرکت‌ها هستند که باید داده‌های مربوط به کاربران یا مشتریان‌شان را محفوظ نگه دارند و ردیابی کنند.^۵

درنهایت، کمیته وزرا اعلامیه حقوق بشر و حاکمیت قانون در جامعه اطلاعاتی^۶ را در ۳ می ۲۰۰۵ تصویب کرد. اولین ماده این اعلامیه به آزادی بیان می‌پردازد. این ماده صراحتاً در خصوص اهمیت آزادی بیان و جایگاه آن در سیستم حقوق بشر شورای اروپا بحث می‌کند. بنابر این اعلامیه، آنچه به صورت آنلاین غیرقانونی تلقی می‌شود، در دنیای آنلاین هم غیرقانونی است. مکانیسم‌های خودتنظیمی باید از سانسور مطالب توسط دولت یا بخش خصوصی ممانعت به عمل آورد

1. Recommendation (Rec (2001)8) on Self-Regulation Concerning Cyber Content (Self-Regulation and User Protection against Illegal or Harmful Content on New Communications and Information Services.

2. <https://www.osce.org/fom/31584?download=true> (Last visited on 10/09/2019).

3. Declaration on Freedom of Communication on the Internet, 2003.

4. Organization for Security and Co-operation in Europe, Declaration on freedom of communication on the Internet, (Adopted by the Committee of Ministers on 28 May 2003 at the 840th meeting of the Ministers' Deputies), May 2003, P 2.

5. Ibid, P 3.

6. Declaration on Human Rights and the Rule of Law in the Information Society Internet, 2005.

و در عین حال، از انتشار مطالبی که براساس تعریف پروتکل الحاقی، نژادپرستانه یا بیگانه‌هراسی محسوب می‌شوند، پیشگیری کند.^۱

۱.۲. حقوق داخلی

در ادامه و در این بخش به‌طور اخص قوانین دو کشور ایالات متحده آمریکا و جمهوری اسلامی ایران در حوزه آزادی بیان در فضای مجازی مورد بحث و تحلیل قرار خواهد گرفت.

۱.۲.۱. ایالات متحده آمریکا

پیش از آنکه گونه‌های خاصی از گفتارهای آسیب‌رسان در اینترنت مورد تحلیل قرار گیرد، بحث دربارهٔ متمم اول قانون اساسی ایالات متحده ضروری است. طبق این متمم، «کنگره نباید قانونی در رابطه با نهادینه‌سازی دین یا اجرای آزادانهٔ اعمال دینی، محدودسازی آزادی بیان یا مطبوعات، حق اجتماع مردم به‌صورت مسالمت‌آمیز یا درخواست از دولت برای رفع بی‌عدالتی تصویب کند.»^۲ هدف از این متمم حمایت از آزادی اندیشه و بیان افراد است؛ به‌گونه‌ای که حق آزادی بیان وجود دارد، اما مطلق نیست. حال این پرسش مطرح می‌شود که گستردگی این حق باید تا چه حد باشد؟ دامنهٔ این حق مدنی برای آزادی بیان تا چه اندازه است؟

در پاسخ می‌توان گفت که طی سال‌ها، چندین اصل برای آزادی بیان از درون پرونده‌های متعددی پدید آمده‌اند که به موضوعات متمم اول قانون اساسی مربوط بوده‌اند. این اصول مقرر می‌دارند که دولت چه زمانی می‌تواند در موضوعات مربوط به آزادی بیان ورود و محدودیت‌هایی بر آزادی اعمال کند.^۳ در ذیل رئوس کلی اصول مهم‌تر را می‌بینیم:

۱. اگر قانون برای محدودسازی آزادی بیان، بیش از حد ضرورت در راستای منافع الزام‌آور دولت باشد، آن قانون مغایر با قانون اساسی است.
۲. دولت نمی‌تواند کسی را ملزم به تأیید نماد، شعار یا نشان کند.
۳. محدودیت‌های دولت در زمان، مکان و شیوهٔ بیان فقط در صورت تحقق این سه شرط، قانونی خواهد بود:
 - محتوای آن باید بی‌طرفانه^۴ باشد.
 - امکان ارائهٔ مطلب برای دیگران باید وجود داشته باشد.
 - این مطالب باید به موضوع مهمی در خصوص منافع عمومی بپردازد.
۴. محدودیت‌هایی که دولت در خصوص محتوای مطالب اعمال می‌کند، غیرقانونی است، مگر آنکه در راستای منافع الزام‌آور دولت باشد. باین‌حال، شش استثنا وجود دارد؛ یعنی شش شکلی از محتوا که متمم اول قانون اساسی از آنها حمایت نمی‌کند:
 - مطلبی که احتمال می‌رود باعث ترغیب به عمل غیرقانونی قریب‌الوقوعی شود.

¹ Human Rights in the Information Society, Spring 2011, P 8, Available at: <https://danubetech.com> (Last visited on 12/04/2019).

² Congress shall make no law respecting an establishment of religion, or prohibiting the free exercise thereof; or abridging the freedom of speech, or of the press; or the right of the people peaceably to assemble, and to petition the government for a redress of grievances.

³ Kevin F. O'Neill. "A First Amendment Compass: Navigating the Speech Clause with a Five-Step Analytical Framework", *Southwestern University Law Review*, Volume 223, 2000, P 225.

⁴ Neutral

- کلمات جنگ‌افروزانه؛ یعنی کلمات توهین‌آمیزی که موجب آغاز دعوا یا اختلاف می‌شود.
- حرف رکیک: مطلبِ صراحتاً موهن که فاقد ارزش ادبی، هنری، سیاسی یا علمی است.
- هرزه‌نگاری کودکان.
- اظهارات افتراآمیز که به صورت مطلبی تعریف می‌شود که هدف از آن، خدشه وارد کردن به شهرت افراد است تا جایگاه آن افراد در نظر عموم تنزل یابد.

• انواع خاصی از مطالب تجاری که فریبنده‌اند یا به محصولات غیرقانونی مربوط می‌شوند.^۱

باید توجه کرد که متمم اول قانون اساسی از شهروندان در برابر تلاش‌های دولت برای اعمال محدودیت در حقوق آزادی بیان حمایت می‌کند. با وجود این، احزاب خصوصی از آزادی عمل بیشتری برای محدود کردن آزادی بیان برخوردارند. برای مثال، ارائه‌دهندگان خدمات اینترنتی ممکن است وبسایت‌هایی را که مطالب شنیع دارند، فیلتر کند؛ اما اگر دولت چنین سیاستی را اعمال می‌کرد، احتمالاً اقدام دولتی محسوب می‌شد و بحث متمم اول قانون اساسی پیش می‌آمد. برمن^۲ معتقد است اینترنت باید ما را به بازنگری در این اعتقاد به اقدام ملی وادار کند؛ زیرا ارائه‌دهندگان خدمات اینترنتی و دیگران به واسطه ابزارهای فنی خود از قدرت فوق‌العاده‌ای برای ایجاد محدودیت در آزادی بیان برخوردارند و باین حال، اقدامات محدودکننده آنها مشمول متمم اول قانون اساسی نمی‌شود. او خواهان بازنگری در اعتقاد به اقدام ملی است تا بهتر از حقوق آزادی بیان دفاع کرد.^۳

در این راستا لازم به ذکر است اصول ابتدایی قانون اساسی، مانند متمم اول قانون اساسی، تحت تأثیر فناوری‌های جدید قرار نمی‌گیرند. در این موقعیت‌های کاملاً جدید شبکه‌های دیجیتال، حق آزادی بیان در چارچوب تعیین‌شده تغییر نمی‌کند. طبق گفتهٔ ترایب، «اینترنت تقریباً به هر فردی امکان کسب یا انتقال اطلاعات را به‌طور آنی در هر جای زمین می‌دهد، اما شایستگی اینترنت در حمایت از آزادی بیان، بیشتر یا کمتر از رسانه‌های قدیمی‌تر نیست.»^۴

۱.۲.۲. جمهوری اسلامی ایران

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به‌صراحت از عبارت آزادی بیان یادی به میان نیامده است، اما در اصل سوم این قانون، آزادی هم به‌عنوان ارزشی متعالی و والا شناخته شده و هم به‌عنوان ابزاری برای تعالی و تکامل اجتماعی به رسمیت شناخته شده است. اصل دیگری که به آزادی بیان اشاره دارد، اصل بیست و سوم قانون اساسی^۵ است، در واقع این اصل به یکی از مصادیق برجسته و بارز آزادی بیان، یعنی آزادی مطبوعات و نشریات، اشاره دارد.

اصل بیست و چهارم این قانون^۶ نیز فقط به آزادی عقیده اشاره دارد، اما به نظر می‌رسد منظور از تدوین این اصل، آزادی بیان و عقیده است؛ چراکه این امر بدیهی است که یک عقیده و اندیشه‌ای تا زمانی ظاهر و ابراز نشود، نمی‌توان آن را مورد مؤاخذه و تعرض قرار داد؛ بنابراین می‌توان آزادی بیان عقیده و اندیشه را از این اصل استنباط کرد.^۷ در این راستا

^۱. Fisher, W. *freedom of expression on the internet*, 2001, Available at: <http://eon.law.harvard.edu/ilaw/speech> (Last visited on 7/07/2018).

^۲. Berman

^۳. Berman, P. "How (If at all) to regulate the internet: cyberspace and the state action debate", *university of colorado law review* 71, 2000, P 1263.

^۴. Tribe, L. "The internet vs. the first amendment", *New York Times*, April 1999, P 32.

^۵. نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر آنکه مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد. تفصیل آن را قانون معین می‌کند.

^۶. تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ‌کس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مؤاخذه قرار داد... .

^۷. انصاری، باقر، *حقوق رسانه*، تهران: سمت، چاپ دهم، ۱۳۹۰، ص ۱۳.

در مواد ۲۵، ۲۶، ۲۷ و ۲۸ منشور حقوق شهروندی که در سال ۱۳۹۵ به تصویب رسیده، به صراحت از حق آزادی بیان حمایت شده است.^۱

۲. تنظیم‌گری آزادی بیان در فضای مجازی

تنظیم‌گری اساساً به مداخله دولت در اقتصاد از طریق وضع و اعمال مقررات قانونی یاد می‌شود و در این راستا نظریه‌های تنظیم‌گری برای توضیح چگونگی ظهور استانداردها و معیارهای تنظیم‌گری تنظیم می‌شوند. نظریه‌های تنظیم‌گری براساس منفعت محور بودن آنها، به دو دسته عمده - نظریه منفعت عمومی و نظریه منفعت خصوصی - تقسیم می‌شوند. این دو نظریه می‌توانند این امر را توضیح دهند که چه موضوعی دولت را به وضع مقررات برای کنترل رفتار بازیگران بازار وادار می‌کند. برخی از صاحب‌نظران نظریه منفعت عمومی را در پاسخ به کاستی‌های بازار^۲ می‌دانند و تنظیم‌گری را به‌عنوان پاسخ درستی به این کاستی‌ها تجویز می‌کنند. اصلاح کاستی‌های بازار رفاه عمومی جامعه را افزایش می‌دهد و به نفع جامعه است. از آنجا که یکی از مشکلات و کاستی‌هایی که دولت در نظریه منفعت عمومی اقدام به تنظیم‌گری آن می‌کند آثار خارجی - هزینه‌هایی که جامعه ناخواسته متحمل آن می‌شود - است.^۳

در خصوص موضوع مورد بررسی در این مقاله، برخی از ضررهای اجتماعی ناشی از آزادی بیان مانند نفرت‌پراکنی و هرزه‌نگاری برای کودکان را می‌توان از این منظر ملاحظه کرد. بنابراین، در خصوص بهترین روش‌های جبران آثار جانبی و نحوه تنظیم‌گری آن بحث‌های دقیقی صورت گرفته است که در ذیل این بخش مورد بررسی قرار می‌گیرند. سؤالی که در این قسمت قابل طرح است این است که آیا فضای مجازی دارای کیفیت متفاوتی است که ما را قادر به جبران آثار جانبی، به شیوه‌ای متفاوت کند؟ آیا در فضای مجازی همچنان نیازمند مداخلات گسترده دولت در تنظیم‌گری هستیم؟

در این قسمت ابتدا درباره بررسی قوانین و مقررات مصوب (تنظیم‌گری کنترل - دستوری) در خصوص محدودیت‌های حق آزادی بیان در حقوق بین‌الملل و حقوق داخلی پرداخته می‌شود. سپس روش دیگر تنظیم‌گری آزادی بیان، خودتنظیمی مورد بحث و تحلیل قرار خواهد گرفت و در قسمت پایانی روش‌های تنظیم‌گری مورد بحث و ارزیابی قرار خواهند گرفت.

^۱ ماده ۲۵: شهروندان از حق آزادی اندیشه برخوردارند. تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ‌کس را نمی‌توان به‌صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مواخذه قرارداد.

ماده ۲۶: هر شهروندی از حق آزادی بیان برخوردار است. این حق باید در چارچوب حدود مقرر در قانون اعمال شود. شهروندان حق دارند نظرات و اطلاعات راجع به موضوعات مختلف را با استفاده از وسایل ارتباطی، آزادانه جست‌وجو، دریافت و منتشر کنند. دولت باید آزادی بیان را به‌طور خاص در عرصه‌های ارتباطات گروهی و اجتماعی و فضای مجازی از جمله روزنامه، مجله، کتاب، سینما، رادیو، تلویزیون و شبکه‌های اجتماعی و مانند اینها طبق قوانین تضمین کند.

ماده ۲۷: شهروندان حق دارند اندیشه، خلاقیت و احساس خود را از طرق مختلف آفرینش فکری، ادبی و هنری با رعایت قوانین و حقوق دیگران بیان کنند.

ماده ۲۸: شهروندان از حق نقد، ابراز نارضایتی، دعوت به خیر، نصیحت درمورد عملکرد حکومت و نهادهای عمومی برخوردارند. دولت به ترویج و گسترش فرهنگ انتقادپذیری، تحمل و مدارا موظف است.

<http://citizensrights.ir> (Lasted visited on 10/10/2018).

^۲ کاستی‌های بازار شامل: انحصارات، عملکرد نامتوازن بازار، توزیع نامتوازن اطلاعات، آثار خارجی و کالاهای عمومی است.

^۳ زارعی، محمدحسین و عرفان شمس، «درآمدی بر مفاهیم و نظریه‌های مقررات‌گذاری اقتصادی»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، دوره ۱۶، شماره ۶۱، ۱۳۹۲، صص ۱۷۹-۱۸۱.

۲.۱. تنظیم‌گری کنترل - دستوری محدودیت‌های آزادی بیان

آرتور سسیل پیگو^۱، از برجسته‌ترین اقتصاددانان حوزه اقتصاد رفاه، از اتکای بیشتر بر دولت در جبران و رفع کاستی‌های بازار حمایت می‌کند.^۲ براین اساس می‌توان از نیروی قهری قانون، برای محافظت در برابر شکل‌های ناخواسته گفتار بهره جست.

در راستای توضیح این دیدگاه لازم است بیان شود که براساس کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و دادگاه اروپایی حقوق بشر، هر محدودیتی باید متناسب و با نظارت قانون همراه باشد تا از حقوق مشروع حمایت شود. مرز این تناسب، می‌تواند از موردی تا مورد دیگر و از کشوری تا کشور دیگر متفاوت باشد. با این حال، این تفاوت‌ها نباید خیلی چشمگیر باشد، همه آنها باید همسان و مبتنی بر ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر باشند.^۳

همچنین براساس رساله «درباره آزادی» جان استوارت میل، هرکس می‌تواند بدون هرگونه مزاحمتی برای دولت یا جامعه آزادانه عمل کند (یعنی عقایدش را آزادانه بیان کند)، مگر اینکه باعث آسیب به سایرین شود. به علاوه، دولت‌ها باید از کنترل رسانه و سرکوب عقایدی که در مورد عملکرد خود آنهاست، خودداری کنند.^۴

از آنجایی که آزادی بیان محدودیت‌هایی دارد در این قسمت بر دو محدودیت نفرت‌پراکنی و هرزه‌نگاری متمرکز خواهیم شد. در این راستا لازم به توضیح است که از یک سو نفرت‌پراکنی اغلب با هدف آسیب به یک گروه یا اعضا آن صورت می‌گیرد؛ در نتیجه لازم است جامعه را از آن در امان نگه داریم و از سوی دیگر، جلوگیری از نفرت‌پراکنی، یکی از محدودیت‌های بحث‌برانگیز آزادی بیان است. از دیگر محدودیت‌های آزادی بیان، هرزه‌نگاری برای کودکان است. هرزه‌نگاری - چه آنلاین و چه آفلاین - برای کودکان ممنوع است؛ هرچند محدوده سنی کودکان متغیر است، اما در بیشتر کشورها یکی از سخت‌ترین جرایم کیفری به حساب می‌آید.^۵

۲.۱.۱. نفرت‌پراکنی در فضای مجازی

همان‌طور که پیش از این گفتیم، حق آزادی بیان باید با محدودیت‌های خاصی همراه باشد و نفرت‌پراکنی یکی از آنهاست. بیشتر کشورها به هر طریق ممکن، توهین‌های کلامی علیه فرد یا گروهی از افراد را که صرفاً به دلیل برخی تفاوت‌ها از بیشتر افراد مجزا هستند، قدغن می‌کنند. این تفاوت‌ها می‌توانند نژادی، قومی، ملی و مذهبی و در دیگر موارد سیاسی یا عقیدتی باشد. براساس تعریف ریچارد دلگادو، «نفرت‌پراکنی واژه‌ای بحث‌برانگیز برای سخنانی است که موجب تحقیر، ارباب یا خشونت یا عمل تبعیض‌آمیز علیه شخص یا گروهی از اشخاص می‌شود و می‌تواند مربوط به نژاد، جنس، سن، قومیت، ملیت، مذهب، هویت جنسی، ناتوانی، دیدگاه‌های اخلاقی یا سیاسی و غیره باشد. این واژه ارتباطات مکتوب و شفاهی را دربر می‌گیرد».^۶

هرچند بعد از جنگ جهانی دوم، جامعه بین‌المللی دریافت که افراطی‌ها چطور می‌توانند از رسانه استفاده و با تجاوز به

¹. Arthur Cecil Pigou

². Aronsson, Thomas and Karl-Gustaf Löfgren. "Welfare Theory: History and Modern Results, Department of Economics Umeå University", 2007, P 4.

³. <https://www.aihrc.org.af/media/files/Laws/Elamia%20ha/Elamiya%20huquqe%20bashar.pdf> (Lasted visited on 10/10/2018).

⁴. Mill, John Stuart. *On Liberty in focus*, Routledge 11 New Fetter Lane, London EC4P 4EE, First Edition, 1991, P 23.

⁵. <http://www.inhope.org/en/facts/age.html>. (Lasted visited on 10/10/2018).

⁶. Hate Speech

⁷. Delgado, Richard and Jean Stefancic, "Hate Speech in Cyberspace", *Wake Forest Law Review*, 2014, P 9.

حقوق دیگران از آزادی بیان سوءاستفاده کنند. از این رو براساس ماده ۲۰ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، هرگونه تبلیغ برای جنگ و همچنین دعوت به دشمنی‌های ملی، نژادی و مذهبی که محرک تبعیض، دشمنی یا اعمال زور باشد، به موجب قانون ممنوع است؛ اما هیچ قانون بین‌المللی و مجازات کیفری مشخصی برای نفرت‌پراکنی وجود ندارد. اینترنت و نحوه گسترش آن، این مسئله را بغرنج‌تر کرده است.

به‌عنوان مثال می‌توان به پرونده یاهو اشاره کرد که در آوریل سال ۲۰۰۰، اتحادیه ضدنژادپرستی و یهودستیزی^۱ و اتحادیه دانشجویان یهودی فرانسه^۲ به دلیل حراج اشیای نازی در یاهو^۳ دادخواهی مدنی علیه یاهو مطرح کردند. آنها نامه‌ای به شرکت یاهو فرستادند و درخواست کردند صفحات اینترنتی حاوی این مطالب را ببندند. از آنجا که یاهو با درخواست آنها موافقت نکرد، این دو اتحادیه دعوی قضایی در فرانسه به راه انداختند. در ۲۲ می ۲۰۰۰، دادگاه فرانسه دستور موقتی را در خصوص اجناسی که به‌صورت غیرقانونی و مغایر با قانون فرانسه به فروش رسیده بودند صادر کرد. بنابراین یاهو براساس قوانین فرانسه به‌خصوص قانون کیفری فرانسه و قانون سمبل نازی، همه مطالب و اشیای مربوط به نازی را از سایتش برداشت و در ادامه سیاست نفرت‌پراکنی خود را تعدیل کرد.^۴

پرونده یاهو مسائل متعددی به دنبال داشت. یکی از مهم‌ترین مسائل، فیلترینگ و راهکارهای فنی برای بلاک کردن برخی سایت‌ها و صفحات اینترنتی بود. همه متخصصان هم‌عقیده‌اند که هیچ راه‌کار فنی نمی‌تواند قابلیت اطمینان فیلترینگ صددرصد را تضمین کند. این پرونده باعث شد شرکت‌های ارائه‌دهنده خدمات اینترنتی درمورد مطالب اهانت‌آمیز، سیاست «خطار و سپس مسدود کردن سایت» را در پیش بگیرند.^۵

روش خطار و مسدود کردن سایت توسط قانون کیفری رایت هزاره دیجیتال^۶ ۱۹۹۸، در بخش ۵۱۲ (محدودیت‌هایی بر مسئولیت‌های مربوط به مطالب آنلاین) قانون کیفری رایت ۱۹۷۶ تغییراتی به عمل آورد. براساس این قانون، اگر شرکت‌های ارائه‌دهنده خدمات اینترنتی بتوانند مطالب غیرمجاز را کنترل کنند، اما مستقیماً از منافع مالی حاصل از این فعالیت غیرمجاز سودی نبرند، مسئولیتی متوجه آنها نیست. علاوه بر این، اگر از محتویات یا فعالیت‌های غیرمجاز واقعاً اطلاعی نداشته باشند، مسئولیتی متوجه آنها نیست. با این حال، اگر بعد از اطلاع از چنین مطالبی «سریعاً برای حذف آن وارد عمل نشوند یا آن را غیرقابل دسترس نکنند» مسئول‌اند.^۷ باید به خاطر داشت که عکس‌العمل فوری در تمام موارد به‌راحتی امکان‌پذیر نیست و همیشه احتمال زیرپا گذاشتن حقوق سایرین وجود دارد.

در موارد مربوط به حقوق بشر و آزادی بیان نیز از همین روش‌ها استفاده می‌شود. آنجا نیز مسئولیت متوجه شرکت‌های ارائه‌دهنده خدمات اینترنتی است. در برخی کشورها، منع ترویج نفرت و دشمنی بین مردم و گروه‌ها در یکی از قوانین اساسی کشور لحاظ شده است. بنابراین، می‌توان انتظار داشت مؤسسه فنی که قانوناً در یک کشور به ثبت رسیده است، با تعاریفی که در هر مورد به کار می‌رود آشنایی دارد تا در کوتاه‌ترین فرصت، هر وب‌سایتی را که اقدام به نفرت‌پراکنی می‌کند شناسایی کند و درخصوص روش‌های برخورد و متناسب بودن این روش‌ها تصمیم بگیرد. به‌علاوه اگر یک شرکت

1. Ligue Contre la Racisme et l'Antisémitisme (LICRA)

2. Union des Etudiants Juifs de France (UEJF)

3. www.Yahoo.com

4. <http://www.techlawjournal.com/topstories/2006/20060112.asp/>

5. Le Menestral, M., Hunter, M. and de Bettignies, H-C. "Internet e-ethics in Confrontation with an Activists' Agenda: Yahoo! on Trial", *Journal of Business Ethics* 39, Netherlands: Kluwer Academic Publisher, 2002, P 2.

6. Digital Millennium Copyright

7. THE DIGITAL MILLENNIUM COPYRIGHT ACT OF 1998 U.S. Copyright Office Summary, No. 105-304, 112 Stat. 2860, 1998, P 11.

ارائه‌دهنده خدمات اینترنتی از عهده این کار برنیايد، خود را در معرض ريسک دعوای قضایی، احکام دادگاه، جریمه و موارد دیگری از این دست قرار می‌دهد.

از سوی دیگر، در واقع باید به شکلی ماهرانه با جرایم نفرت‌محور برخورد شود. اینترنت به فضایی برای بی‌شمار مطلب موهن و آزارنده تبدیل شده است و برخی از این محتویات در دنیای آفلاین نیز منجر به مجازات‌های کیفری می‌شود. جامعه بین‌المللی برای حل این مسئله خواستار همکاری‌های مشترک بین مجریان قانون و بخش خصوصی، برای وضع قوانین سخت‌گیرانه‌تر و همچنین روش‌های مثبت در مبارزه با نژادپرستی و دیگر اشکال نفرت‌پراکنی است.^۱ همان‌طور که اشاره کردیم، در بسیاری از کشورها نفرت‌پراکنی به موجب قانون ممنوع است و در ایالات متحده نیز برخی اشکال نفرت‌پراکنی، که در قانون شرح داده شده، ممنوع است و در این خصوص نمی‌توان اهمیت اصلاحیه نخست قانون اساسی را انکار کرد. یکی از اولین پرونده‌ها در ایالات متحده، نفرت‌پراکنی از طریق ایمیل در سال ۱۹۹۶ است. در این پرونده یکی از دانشجویان دانشگاه کالیفرنیا در ابروین^۲ پیام تهدیدآمیزی برای ۵۹ دانشجوی آسیایی ارسال کرد. وی با وجود اظهار اینکه ایمیل‌ها را به‌خاطر آسیایی بودن این افراد برای آنها فرستاده است، به استفاده آگاهانه و بدون مجوز از سرویس‌های کامپیوتری متهم شد.^۳

در جمهوری اسلامی ایران نیز طبق ماده ۲۲ قانون جرایم رایانه‌ای، وظیفه پالایش فضای مجازی که از جمله آن محتوایی که علیه مقامات و نهادهای دولتی و عمومی به کار می‌رود، بر عهده کمیته تعیین مصادیق مجرمانه^۴ است. طبق ماده ۲۱ و ۲۳ قانون مذکور اگر ارائه‌دهنده خدمات دسترسی و خدمات میزبانی عمداً از پالایش محتوای مجرمانه خودداری کند، منحل خواهند شد و چنانچه از روی بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی، زمینه دسترسی به محتوای غیرقانونی را فراهم آورد، در مرتبه نخست به جزای نقدی از ۲۰ تا ۱۰۰ میلیون ریال، در مرتبه دوم به جزای نقدی از ۱۰۰ میلیون تا یک میلیارد ریال و در مرتبه سوم به یک تا ۳ سال تعطیل موقت محکوم خواهد شد.

همچنین در ماده ۱۷ آیین‌نامه سامان‌دهی فعالیت پایگاه‌های اطلاع‌رسانی (سایت‌های) اینترنتی ایرانی مصوب هیئت وزیران در سال ۱۳۸۵ به موضوع تخلفات پایگاه‌های اطلاع‌رسانی (سایت‌های) اینترنتی ایرانی اشاره شده است که انتشار هرگونه مطالب توهین‌آمیز به اسلام، ادیان دینی، انبیا و معصومین، رهبری، اقلیت‌های مذهبی، اشخاص حقیقی و حقوقی، افترا و نشر اکاذیب ممنوع اعلام شده است. طبق ماده ۹ آیین‌نامه موصوف رسیدگی به انتشار این داده‌ها با توجه به نوع و آثار آن منجر به تذکر رسمی به مسئول سایت‌ها برای حذف مطالب یا جبران آن مانند اصلاح یا عذرخواهی یا ارسال گزارش به کارگروه تعیین مصادیق مجرمانه به‌منظور مسدود کردن به مدت محدود یا تعطیل دائمی منجر خواهد شد. همچنین پیرو تصویب و ابلاغ سیاست‌های کلی شبکه‌های اطلاع‌رسانی رایانه‌ای از سوی رهبر معظم انقلاب اسلامی

^۱. Delgado and Stefancic, op.cit, P 10.

^۲. Irvine

^۳. Machado Case History. Available at:

http://computingcases.org/case_materials/machado/case_history/case_history.html (Last visited on 11/08/2019).

^۴. اعضای این کارگروه عبارت‌اند از: دادستان کل کشور (رئیس کارگروه) - رئیس یا نماینده سازمان صدا و سیما - وزیر یا نماینده وزیر اطلاعات - وزیر یا نماینده وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی - وزیر یا نماینده وزیر دادگستری - وزیر یا نماینده وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات - وزیر یا نماینده وزیر علوم تحقیقات و فناوری - وزیر یا نماینده وزیر آموزش و پرورش - فرمانده نیروی انتظامی - یک نفر خبره در فناوری اطلاعات و ارتباطات به انتخاب کمیسیون صنایع و معادن مجلس شورای اسلامی - یک نفر از نمایندگان عضو کمیسیون قضایی و حقوقی به انتخاب این کمیسیون به تأیید مجلس شورای اسلامی - رئیس سازمان تبلیغات اسلامی.

<http://rc.majlis.ir/fa/law/show/135717> (Last visited on 11/08/2019).

(نامه‌های شماره ۱/۱۰۳۳ مورخ ۱۳۸۰/۳/۹ و شماره ۱/۱۰۷۲ مورخ ۱۳۸۰/۳/۱۳ دفتر مقام معظم رهبری) شورای عالی انقلاب فرهنگی مقررات و ضوابط شبکه‌های اطلاع‌رسانی رایانه‌ای را در سال ۱۳۸۰ به تصویب رساند. این مقرر شامل چندین آیین‌نامه است. در ماده ۶ آیین‌نامه واحدهای ارائه‌کننده خدمات اطلاع‌رسانی و اینترنت رسا به ممنوعیت تولید و عرضه توهین و افترا به مقدسات اسلامی و رهبری و مقامات حکومتی و اشخاص حقیقی و حقوقی اشاره شده است. ضمانت اجرای تخلفی از موارد مندرج در آیین‌نامه طبق ماده ۹ شامل تذکر، قطع موقت مجوز، لغو پروانه و طرح در دادگاه‌ها و محاکم قانونی، براساس نوع «تخلف براساس قوانین و ضوابط ذی‌ربط بر عهده کمیسیون راهبردی می‌باشد که براساس گزارش نظارت وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات بررسی و اعلام نظر می‌نماید». همچنین در ماده ۷ آیین‌نامه دفاتر خدمات اینترنت مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی، تولید و عرضه توهین و افترا به مقدسات اسلامی، مقامات حکومتی توسط شبکه‌های انتقال اطلاعات رایانه‌ای ممنوع اعلام شده است. در راستای تحقق این موضوع، کمیسیون راهبردی شورای عالی اطلاع‌رسانی در استان تهران و کمیته‌های استانی در استان‌ها بر کار این دفاتر نظارت دارند و در صورت تخلف دفاتر وفق تبصره‌های ۱ و ۲ همین ماده لغو موقت و دائم پروانه صورت خواهد گرفت.^۱

۲.۱.۲. هرزه‌نگاری کودکان در فضای مجازی

حمایت از کودکان همیشه نقطه تمرکز سیاست‌های بین‌المللی و دولتی بوده است؛ لذا جرایم کیفری که علیه خردسالان صورت می‌گیرد، مجازات سخت‌تری در پی دارد.^۲ کنوانسیون حقوق کودکان سازمان ملل متحد مصوب سال ۱۹۸۹ یکی از اسناد مهمی است که به‌طور اخص به حمایت از کودکان می‌پردازد. بیشتر کشورها نیز در خصوص محتویات مناسب برای کودکان در سنین مختلف قوانین و مقررات مشخصی دارند.

در سال ۱۹۹۶، کنگره آمریکا قانون نزاکت در ارتباطات^۳ را که در خصوص بی‌نزاکتی و هرزگی در اینترنت بود، تصویب کرد. بلافاصله بعد از آن، اتحادیه آزادی‌های مدنی آمریکا^۴ با این ادعا که این قانون مغایر با قانون اساسی است، دعوا در دادگاه مطرح کرد. در فوریه سال ۱۹۹۶، دادگاه پنسیلوانیا قرار منع موقتی صادر کرد که به موجب آن، دولت ایالات متحده آمریکا را از اجرای قانون نزاکت منع می‌کرد.^۵

به موجب ماده ۲۲۳ این قانون، «مخبره هرگونه کامنت، درخواست، پیشنهاد، پروپوزال، تصویر یا هر ارتباط بی‌ادبانه یا گستاخانه به‌صورت عمدی و با اطلاع از اینکه دریافت‌کننده زیر ۱۸ سال است، صرف‌نظر از اینکه تولیدکننده این گونه محتواها ارتباط را آغاز کرده باشد» مشمول جریمه کیفری است. به‌علاوه، بند (د) این ماده، ارسال یا نمایش، تجسم یا توصیف «هرگونه مطلبی را که براساس استانداردهای جامعه امروزی، آشکارا موهن است» ممنوع می‌داند. اینها فقط چند نمونه از مقررات است که نقض‌کننده اصلاحیه نخست قانون اساسی ایالات متحده آمریکا است. در ۲۶ ژوئن ۱۹۹۷، دادگاه

^۱. جهانگرد، نصرالله و خسرو سلجوقی، *مجموعه قوانین و مقررات فناوری اطلاعات و ارتباطات ایران*، تهران: دبیرخانه شورای عالی اطلاع‌رسانی، ۱۳۸۳، صص ۲۱۸ و ۲۲۲.

^۲. Program in Comparative Law and Policy (PCMLP), 2004, Self-Regulation of Digital Media Converging on the Internet: Industry Codes of Conduct in Sectoral Analysis, P 15.

PCMLP, Retrieved November 20, 2006, Available at:

<http://www.selfregulation.info/iapocoda/0405-iapocode-final.pdf> (Last visited on 10/07/2019)

^۳. Communications Decency Act

^۴. American Civil Liberties Union

^۵. Cyber-Rights and Cyber-Liberties (UK), 1997, Retrieved August 1, 2006, Available at: <http://www.cyber-rights.org/censorship/aclu.htm> (Last visited on 10/09/2019).

عالی ایالات متحده آمریکا رأی دادگاه ایالتی را تأیید و اعلام کرد که بند فوق حق آزادی بیان را نقض می‌کند.^۱ همچنین در سال ۱۹۹۸ کنگره ایالات متحده آمریکا قانون حفاظت آنلاین از کودکان^۲ را تصویب کرد و برای هرگونه انتشار محتویات آسیب‌زا برای خردسالان جزای نقدی در نظر گرفت. در فوریه ۱۹۹۹، دادگاه ایالتی فدرال در فیلادلفیا با صدور رأی نهایی، دولت را به دلیل مغایرت با قانون اساسی از اجرای قانون حفاظت آنلاین از کودکان منع کرد و این رأی از سوی سومین دادگاه استیناف تأیید شد. دادگاه عالی ایالات متحده آمریکا در خصوص دادخواست وزارت دادگستری، خواستار لغو تصمیمات بالا شد. بنا بر رأی این دادگاه «ممنوعیت‌هایی که به واسطه جرایم کیفری سخت‌گیرانه بر محتواها اعمال می‌شود، می‌تواند به سرکوب زندگی و افکار انسان‌های آزاد شود و نقض صریح آزادی بیان است».^۳ بنا بر رأی دادگاه عالی، دولت موظف است هریک از موارد محدودسازی آزادی بیان را به‌دقت بررسی کند؛ در نتیجه، مسئولیت اثبات ادعا در این خصوص با دولت است. دستور قانون حفاظت آنلاین از کودکان هنوز در حالت تعلیق است.^۴

در ۲۰ ژانویه ۲۰۰۶، کمیسیون اروپا پیش‌نویس توصیه‌نامه‌ای برای حفاظت از خردسالان تصویب کرد که در سپتامبر ۲۰۰۶، شورای اروپا موضع مشترکی در قبال پذیرش این توصیه‌نامه در پیش گرفت. این توصیه‌نامه همچون بیشتر اسناد اتحادیه اروپا، خواستار استفاده از مکانیسم‌های خودتنظیمی و نظارت والدین بر محتوای مضر برای خردسالان است.^۵ در ادبیات تقنینی ایران اصطلاح هرزه‌نگاری به کار نرفته و قانونی در خصوص حمایت از کودکان در برابر هرزه‌نگاری به تصویب نرسیده است. فقط هرزه‌نگاری در چند متن قانونی مورد حکم قرار گرفته و با عباراتی چون منافی عفت عمومی، جریحه‌دارکردن عفت و اخلاق عمومی، مبتذل یا مستهجن مورد اشاره قرار گرفته است. در میان این اصلاحات نیز قانون‌گذار بر تفکیک میان دو واژه مستهجن و مبتذل تأکید داشته است. آن‌گونه که از میان تمامی این عبارات صرفاً همین دو اصطلاح دارای تعریف قانونی هستند که در ادامه به مقایسه آنها می‌پردازیم.

تاکنون در سه متن قانون، عبارت (مبتذل) توسط قانون‌گذار تعریف شده است. نخستین بار در تبصره ۱ بند ب ماده ۳ قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت‌های غیرمجاز می‌کنند، مصوب ۱۳۷۲، آثار سمعی و بصری مبتذل به آثاری که دارای صور قبیحه‌اند و مضامین آن مخالف شریعت و اخلاق اسلامی باشد اطلاق شده‌اند.

1. US Supreme Court - Reno, 1997, Attorney General of the United States, et al. V. American Civil Liberties Union et al. No. 96-511, Retrieved October 2, 2006. Available at: http://www.epic.org/cda/cda_decision.html#majority (Last visited on 10/09/2019).

2. Child Online Protection Act

3. US Supreme Court, Ashcroft, Attorney General v. American Civil Liberties Union et al. No. 03-218, 2004.

4. بنا بر رأی دادگاه عالی، یکسری دلایل عملی مهم ایجاب می‌کند دستور کتبی دادگاه تا زمان دادرسی کامل به حالت تعلیق درآید. «ابتدا، آسیب‌های احتمالی ناشی از لغو تصمیم دادگاه بر آسیب‌های ناشی از اجرای آن در محل اشتباه غلبه دارد. در مواردی که امکان پیگرد قانونی وجود دارد، اما فقط مجازات مثبت امکان‌پذیر است، گوینده به‌جای پذیرفتن مسئولیت دادرسی، دست به خودسانسوری می‌زند. در این گونه موارد، احتمال بروز آسیب‌های جدی وجود دارد (Cf. *Playboy Entertainment Group, supra*, at 817). در برابر، آسیب ناشی از تعلیق دادرسی به واسطه دستور کتبی دادگاه خیلی حاد نخواهد بود. دوم اینکه مشاجرات اساسی زیادی در این پرونده باقی مانده است؛ از جمله شکاف جدی در شواهد مربوط به کارایی نرم‌افزارهای فیلترینگ. با تعلیق رأی اولیه و اعاده دادرسی، دادگاه، دولت را ملزم می‌کند تمام تلاش خود را برای اثبات ادعا و جایگزین روشی که افراد را کمتر محدود کنند، به کار گیرد، به‌جای اینکه از انجام این وظیفه سرباز زند. سوم، صورت‌جلسات نشان‌دهنده واقعیت تکنولوژیکی امروزی نیست؛ جریانی جدی در هر پرونده مرتبط با اینترنت که با سرعت بسیار زیادی در حال تکامل است.

Ashcroft, Attorney General v. ACLU et al. No. 03-218, 2004, P 22.

5. Ahlert, C., Marsden, C. and Yung, C. *How 'Liberty' Disappeared from Cyberspace: The Mystery Shopper Tests Internet Content Self-Regulation*, 2004, P 38.

همچنین در تبصره ۱ بند ب ماده ۳ قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت‌های غیرمجاز می‌کنند مصوب ۱۳۸۶ همین تعریف عیناً و بدون هیچ‌گونه تغییری تکرار شده است. مهم‌ترین ایرادی که به این تعریف وارد است، استفاده از عبارت مبهم صور قبیحه است؛ به‌ویژه هنگامی که در کنار تعریف آثار مستهجن قرار می‌گیرد، دارای مفهومی نامأنوس می‌شود. ابهام دیگر آنکه، مبتذل محسوب شدن یک اثر حاوی صور قبیحه مشروط به آن شده است که این اثر مضمون مخالف شریعت و اخلاق اسلامی را تبلیغ کند. پرسش این است که مقصود از شریعت چیست؟ آیا مقصود فقط قرآن است یا صرف احادیث، احکام فقهی، احکام اخلاقی یا ترکیبی از همه یا برخی از موارد؟ همچنین طبق تعریف ارائه‌شده برای مبتذل بودن، یک اثر باید هم دارای صور قبیحه باشد و هم متضمن مخالفت با اسلام و شریعت. پرسش دیگری که مطرح می‌شود آن است که آیا قابل تصور است که یک اثر حاوی صور قبیحه باشد، لکن مضامین مخالف اسلام و شریعت را تبلیغ نکند؟

با توجه به این ابهامات و مسائل مطروح در خصوص عبارت مبتذل موجب شد قانون‌گذار در قانون جرایم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸ این ایراد را رفع کند و در تعریف عبارت مبتذل به صرف داشتن صور قبیحه اکتفا و مخالفت با مضامین شریعت و اسلام را حذف کند.^۱

عبارت (مستهجن) نیز در تبصره ۵ ماده ۳ قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت‌های غیرمجاز مصوب ۱۳۸۶ تعریف و بیان شده است که منظور از آثار مستهجن آثاری است که محتوای آن «نمایش برهنگی زن و مرد یا اندام تناسلی و یا نمایش آمیزش جنسی باشد».^۲ در تبصره ۴ ماده ۱۴ قانون جرایم رایانه‌ای^۳ تعریف موسع‌تری از ناحیه قانون‌گذار ارائه شده است. طبق تعریف ارائه‌شده در این قانون تصاویر غیرواقعی و دستکاری شده نیز مشمول این ماده است. بنابراین، طبق تعبیر قانون‌گذار نباید میان واقعی یا غیرواقعی بودن یک اثر تفاوت قائل شد. لذا با عنایت به آنکه واژه مستهجن در قانون جرایم رایانه‌ای به‌صورت کلی تعریف شده و محدود به جرایم رایانه‌ای نشده است، بنابراین می‌بایست جدیدترین تعریف قانون‌گذار را ملاک قرار داد و تعریف قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت‌های غیرمجاز می‌کنند مصوب ۱۳۸۶ منسوخ اعلام کرد.

از آنجا که وظیفه پالایش فضای مجازی (محتوای علیه عفت و اخلاق عمومی) طبق ماده ۲۲ قانون جرایم رایانه‌ای بر عهده کمیته تعیین مصادیق مجرمانه است، ضمانت اجرای عدم پالایش محتوای مبتذل و مستهجن توسط شرکت‌های ارائه‌دهنده خدمات اینترنتی طبق ماده ۲۱ و ۲۳ قانون جرایم رایانه‌ای است.^۴ در ماده ۷ آیین‌نامه سامان‌دهی فعالیت پایگاه‌های اطلاع‌رسانی (سایت‌های) اینترنتی ایرانی مصوبه هیئت وزیران در سال ۱۳۸۵ به موضوع تخلفات فعالیت پایگاه‌های اطلاع‌رسانی (سایت‌های) اینترنتی ایرانی اشاره شده است که در این ماده اشاعه منکرات و ترویج فحشا و مطالب مغایر با عفت و اخلاق ممنوع اعلام شده است.^۵

در بند الف ماده ۶ آیین‌نامه نحوه اخذ و ضوابط فنی نقطه تماس بین‌المللی مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی نیز اعلام شده است. کلیه ایجادکنندگان نقطه تماس بین‌المللی موظفاند امکانات فنی لازم در حفاظت و کنترل متمرکز از

۱. باباخانی، مرضیه و احمد قاسمی، «بررسی حقوقی هرزه‌نگاری از منظر قانون مجازات اسلامی و راه‌های مقابله قانونی با آن در ایران»، پژوهشنامه مطالعات راهبردی در علوم انسانی و اسلامی، دوره ۱، شماره ۲، ۱۳۹۵، صص ۵۸-۵۹.

۲. <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/130025> (Last visited on 11/08/2019).

۳. تبصره ۴ محتویات مستهجن به تصویر، صوت یا متن واقعی یا غیرواقعی اطلاق می‌گردد که بیانگر برهنگی کامل زن یا مرد یا اندام تناسلی یا آمیزش یا عمل جنسی انسان است.

۴. <http://rc.majlis.ir/fa/law/show/135717> (Last visited on 11/08/2019).

۵. <https://www.aepdc.ir/portal/file/?248268/E-310002.pdf> (last visited on 12/08/2019).

شبکه‌های مزبور برای ایجاد سیستم پالایش و ممانعت از دسترسی به پایگاه ممنوع اخلاقی را ایجاد کنند. در ماده ۶ آیین‌نامه واحدهای ارائه‌کننده خدمات اطلاع‌رسانی و اینترنت رسا مصوب آن شورا نیز اشاعه فحشا و انتشار تصاویر و مطالب خلاف اخلاق و عفت عمومی ممنوع اعلام شده است. همچنین شورای عالی انقلاب فرهنگی در ماده ۷ آیین‌نامه دفاتر خدمات اینترنت نیز اشاعه فحشا و انتشار عکس‌ها و مطالب خلاف اخلاق و عفت عمومی را توسط شبکه‌های انتقال اطلاعات رایانه‌ای ممنوع اعلام کرده است. ضمانت اجرای تخلف از مواد مذکور در این آیین‌نامه در مبحث قبل توضیح و شرح داده شده است.^۱ بنابراین در قوانین و آیین‌نامه‌های مصوب در کشور ایران هزینه‌نگاری هم برای کودکان و هم برای افراد بالغ ممنوع اعلام شده و قانون‌گذار تفکیکی در ممنوع تلقی کردن این آثار بین کودکان و بزرگسالان قائل نشده است.

۲.۲. خودتنظیمی آزادی بیان در فضای مجازی

بسیاری از اسناد برای حل معضل محتواهای «غیرقانونی یا آسیب‌رسان» در اینترنت، مکانیسم‌های خودتنظیمی را توصیه می‌کنند. معمولاً خودتنظیمی مبتنی بر اصل حق تصمیم‌گیری است؛ یعنی مداخله حکومت باید تنها در شرایطی صورت بگیرد که افراد جامعه نتوانند خودشان راه‌حل‌های مناسب را پیدا کنند.

در حال از منظر آزادی بیان، خودتنظیمی مسئله بسیار حساس و بحث‌برانگیزی است. دلیل این امر در این حقیقت محض نهفته است که آزادی بیان یکی از حقوق اساسی و متعلق به همه انسان‌هاست. آزادی بیان به‌عنوان حق بشری فقط در موارد خاصی می‌تواند محدود شود.

از آنجا که شرکت‌های ارائه‌دهنده خدمات اینترنتی نمی‌توانند برخی از قواعد اصلی حقوق بشر را نادیده بگیرند، راهکارهای خودتنظیمی به شرکت‌های ارائه‌دهنده خدمات اینترنتی مربوط می‌شود که متعهدند به حق آزادی بیان احترام بگذارند و آن را ترویج کنند.^۲

در خصوص نحوه خودتنظیمی لازم است بیان شود: از نظر لسیگ، قدرتمندترین نیروی تنظیم‌گری در فضای مجازی قانون نیست، بلکه کد (پروتکل‌ها و برنامه‌های نرم‌افزاری است که ساختار اینترنت را تشکیل می‌دهند) است. از این رو نویسنده کد، که همان تولیدکننده نرم‌افزار است، به مثابه تنظیم‌گر و ناظر بالفعل در فضای مجازی ظاهر می‌شود. در این بستر، خودتنظیمی به‌طور ضمنی، به معنای خودانضباطی و خودتعیین‌گری است که به کاربران و سازمان‌ها امکان می‌دهد درباره آنچه زیان‌آور است تصمیم‌گیری کنند و با کمک کدهایی همچون فیلترها اقدامات اصلاحی را انجام دهند.^۳

۲.۲.۱. نفرت‌پراکنی در فضای مجازی

طرح انتخاب محتوای اینترنتی^۴ پروتکلی برای رتبه‌بندی و فیلتر کردن محتوا در فضای مجازی به شیوه خودتنظیمی است. این طرح وظیفه فیلتر کردن را به دو فعالیت تقسیم می‌کند: برچسب‌گذاری که شامل رتبه‌بندی محتوا و سپس فیلتر کردن محتوا براساس آن برچسب‌هاست. طرح انتخاب محتوای اینترنتی فرمت استاندارد را در اختیار افراد می‌گذارد

^۱ جهانگرد و سلجوقی، پیشین، صص ۲۱۸ و ۲۲۲.

^۲ Commentary on the Norms on the Responsibilities of Transnational Corporations and Other Business Enterprises with Regard to Human Rights, U.N. Doc. E/CN.4/Sub.2/2003/38/Rev.2, E12, 2003, P 10.

^۳ Lessig, Lawrence. CODE Version 2.0, New York, 2006, P 61.

^۴ Platform for Internet content selection (PICS).

و از طرح‌های برچسب‌گذاری یا خدمات رتبه‌بندی متعددی پشتیبانی می‌کند. تولیدکنندگان محتوای اینترنتی می‌توانند برچسبی را در وب‌سایت خودشان نصب کنند یا شخص ثالثی وب‌سایت را برچسب‌گذاری می‌کند و برچسب را برایشان می‌فرستد. در هر صورت، واژگان مشترکی برای برچسب‌گذاری موجود است. وقتی محتوا رتبه‌بندی شد، کاربران باید برنامه‌هایی برای خواندن آن برچسب‌ها داشته باشند تا تعیین کنند کدام سایت‌ها باید مسدود شوند. هم‌نت‌اسکیپ و هم‌مرورگرهای اینترنت اکسپلورر^۱ از طرح انتخاب محتوای اینترنتی استفاده می‌کنند و موتور جستجوی محبوب آلتا ویستا^۲ توانایی محدودسازی نتایج جستجو به سایت‌های مطلوب براساس رتبه‌بندی‌های طرح انتخاب محتوای اینترنتی را دارد. طرح انتخاب محتوای اینترنتی مخالفت بسیاری از حقوق‌دانان را برانگیخته است. به نظر لسیگ، طرح انتخاب محتوای اینترنتی مشکلاتی دارد: اول، این سیستم سانسور همگانی‌ای است که می‌تواند نه فقط کلمات رکیک، بلکه هرگونه مطلبی را سانسور کند. در نتیجه، طرح انتخاب محتوای اینترنتی ممکن است برای از دسترس خارج کردن همه مطالب سیاسی ناخوشایند به کار برود. همچنین، طرح انتخاب محتوای اینترنتی کاملاً به صورت بی‌طرفانه و خنثی عمل نمی‌کند: این طرح تا اندازه‌ای تحت تأثیر ذهنیت و تعصب سازندگان قرار دارد. سرانجام، سیستم‌های رتبه‌بندی شخص ثالث نیازمند به‌روزرسانی و بازنگری دائم هستند؛ بنابراین، کار سختی است که آن‌ها بتوانند همگام با تغییرات سریع در اینترنت پیش بروند.^۳

اما مشکل اساسی به نظر لسیگ این است که دولت‌ها و شرکت‌های ارائه‌دهنده خدمات اینترنتی به‌عنوان صاحبان اختیار، در خصوص حق بر آزادی بیان تلقی می‌شوند که محتواها را رتبه‌بندی می‌کنند (صنایع خصوصی، گروه‌های منافع همگانی و...). به علاوه، فیلترینگ غالباً برای کاربر نهایی غیرقابل‌رویت است، به‌ویژه زمانی که شرکت‌های ارائه‌دهنده خدمات اینترنتی در ابتدا این کار را انجام می‌دهند. همچنین یک مشکل احتمالی دیگر درباره ساختار این نوع فیلترینگ وجود دارد: از یک سو، طرح انتخاب محتوای اینترنتی گاهی بسیار جامع و کامل عمل می‌کند. از سوی دیگر، با استفاده از این طرح، امکان فیلتر کردن مطالب زیادی از اینترنت وجود دارد.^۴

با توجه به مطالب مذکور، نحوه خودتنظیمی دو شرکت برتر ارائه‌دهنده خدمات اینترنتی، یعنی گوگل و یاهو، در خصوص موضوع مورد بحث بیان می‌شود:

گوگل براساس شرایط و ضوابط خدمات اعلام می‌دارد: «گوگل در خصوص درستی، محتوا، تمامیت، مشروعیت، اعتبار یا قابلیت بهره‌برداری یا دسترسی به اطلاعات یا مطالبی که در قسمت نتایج خدمات گوگل آمده، از خود رفع مسئولیت می‌کند».^۵ یاهو نیز همچون گوگل شرایط و ضوابط خودش را دارد. آنجا نیز کم‌وبیش همین مقررات حاکم است. هرکس قصد داشته باشد از یاهو و خدماتش استفاده کند، باید با یکسری مقررات موافقت کند و از این خدمات برای یکسری اقدامات استفاده نکند از جمله:

۱- آپلود، پست، ایمیل، ارسال یا به هر وسیله انتشار هرگونه مطالب نامشروع، آسیب‌زننده، تهدیدآمیز، موهن، آزاردهنده، فریبکارانه، افتراآمیز، رکیک، ناپسند، هجوآمیز، نفرت‌انگیز، قومی، نژادپرستانه، هرگونه مطلب قابل اعتراض و تجاوز به

¹ Internet Explorer browsers

² Alta Vista

³ Resnick, P. and Miller, J. "PICS: Internet Access Controls Without Censorship", *Communications of the ACM*, 39 (10), 1996, PP 87-93.

⁴ <http://www.w3.org/Press/PICSREC-PR.html> (last visited on 12/08/2019).

⁵ شرایط و ضوابط گوگل در آدرس زیر در دسترس است:

http://www.google.com/intl/sr/terms_of_service.html (Last visited on 10/08/2019).

حریم خصوصی دیگران.

۲- آزار اقلیت‌ها.

۳- آپلود، پست، ایمیل، ارسال یا هر وسیله انتشار هرگونه تبلیغات ناخواسته یا بی‌اجازه، ایمیل‌های ناخواسته، اسپم، نامه‌های زنجیری، طرح‌های هرمی یا هر شکل دیگری از روش‌های جلب مشتری به‌جز در بخش‌هایی (مثل بخش خرید) که به همین منظور طراحی شده‌اند.^۱

یاهو با استناد به این قوانین می‌تواند مطالبی را که از طریق سرویس‌هایش منتشر می‌شود، غربال و هر مطلبی را که با ضوابط و شرایطش مغایر است، حذف کند. بر عهده کاربران است که همه ریسک‌ها از جمله درستی، کامل بودن یا کارایی مطالب را بپذیرند. این عبارات یک معافیت کامل برای یاهو هستند و با استناد به آن، یاهو مسئولیت را متوجه کاربر می‌کند.

در این راستا لازم به ذکر است که فیلترینگ در ایران به‌صورت دولتی انجام می‌پذیرد. به این معنا که مسئول فیلترینگ سایت‌های اینترنتی در ایران، کارگروه تعیین مصادیق محتوای مجرمانه است که طبق ماده ۲۲ قانون جرائم رایانه‌ای از ۱۳ عضو حقوقی و حقیقی تشکیل شده است. بررسی عملکرد این کارگروه در سال‌های اخیر نشان‌دهنده اتخاذ رویکرد حداکثری در فیلترینگ است؛ به‌طوری که در حوزه‌های اخلاقی، سیاسی، اعتقادی و... به دو روش استفاده از لیست سیاه و فیلترینگ براساس کلیدواژه‌ها، سایت‌های مورد نظر را غیرقابل دسترس می‌کند. بنابراین در کشور ایران از روش خودتنظیمی در حوزه آزادی بیان استفاده نمی‌شود.

۲.۲.۲. خودتنظیمی هرزه‌نگاری کودکان در فضای مجازی

طبق گفته لسیگ، کد می‌تواند تا حدودی بر شبکه ارتباطی کنترل کاملی داشته باشد که در این کنترل، فیلتر به قدرتمندترین تنظیم‌گر در حوزه آزادی بیان تبدیل می‌شود.^۲ تعداد بی‌شماری نرم‌افزار فیلترینگ وجود دارد که برای حمایت از کودکان طراحی شده‌اند. اولین نوع آنها فیلترهای محتوا هستند. سایبرپاترول^۳، سایبرسیترا^۴، نت ننی^۵، فیلترینگ اینترنت ان ۲ اچ ۲^۶ و اکس‌استاپ^۷ محصولات محبوب و کارآمدی هستند. این برنامه‌ها سایت‌ها را بر حسب محتوایشان دسته‌بندی می‌کنند. نحوه عملکرد آنها به این گونه است که ابتدا می‌بایست فهرستی از سایت‌های هرزه‌نگاری تهیه شود. بنابراین هنگامی که کاربری سایتی را تقاضا می‌کند، برنامه اقدام به بررسی آن سایت می‌کند و اگر این سایت در آن فهرست قرار داشت، دسترسی ناممکن خواهد شد. به این فرایند «مسدودسازی براساس سایت» می‌گویند.^۸

برای فیلترینگ کارآمد براساس سایت یکی از مهم‌ترین موانع موجود، بی‌ثباتی ذاتی در وب‌سایت‌هاست. فهرست‌ها همیشه ناقص هستند. به این گونه که سایت‌های هرزه‌نگاری راه می‌افتند و بعد از مدتی بسته می‌شوند و به همین علت، حتی برای دقیق‌ترین نرم‌افزارها هم شناسایی سایت‌های هرزه‌نگاری کار دشواری است.^۹

^۱ <https://policies.yahoo.com/us/en/yahoo/terms/index.htm> (Last visited on 10/08/2019).

^۲ Lessig, Lawrence. Code and Other Laws of Cyberspace, New York, 1999, P 129.

^۳ Cyber patrol

^۴ Cyber Sitter

^۵ Net Nanny

^۶ N2H2

^۷ X-Stop

^۸ https://web.archive.org/web/20160103042134/http://www.isoc.org/inet2000/cdproceedings/8k/8k_5.htm/

^۹ Lessig, CODE Version 2.0, op.cit., P 256 (Last visited on 10/08/2019).

۳. ارزیابی روش‌های تنظیم‌گری آزادی بیان در فضای مجازی

ضررهای اجتماعی ناشی از آزادی بیان مانند هرزه‌نگاری و نفرت‌پراکنی به منزله شکست بازار است. برای این شکست بازار چه باید کرد؟ آیا در پاسخ، نیازمند سیاستی اجباری است که مقررات تنظیمی سختگیرانه را به ما اعمال کند؟ آیا این نوع مداخله دولت باعث افزایش رفاه می‌شود؟

در موضوع مورد بحث، ما نمی‌توانیم فرض کنیم که مداخله کامل دولت باعث افزایش رفاه کل جامعه می‌شود. تنظیم‌گری کنترل - دستوری باید فقط زمانی به کار گرفته شوند که هزینه معامله برای حل این مشکلات بدون دخالت دولت بالا باشند. راهکارهای خصوصی‌سازی شده عموماً بر راهکارهای تحمیلی دولت ارجح‌اند. شاید بتوان بدون قوانین مفصل و بوروکراسی ناشی از آن، بتوان مشکل را در این حوزه حل کرد. وجود و دسترسی به فناوری‌هایی همچون استفاده داوطلبانه از فیلترهای اینترنت (نرم‌افزارهایی برای فلیترکردن محتوای اینترنت) با محدود ساختن دسترسی کاربران، اثربخشی راهکارهای خصوصی‌سازی شده را تقویت می‌کند.^۱

خودتنظیمی در ترکیب با فناوری‌های اجرا شده مسئولانه می‌تواند نقش پررنگی در حفاظت از آزادی بیان داشته باشد؛ بدون اینکه هزینه‌های بیش‌ازحد و آثار منفی تنظیم‌گری کنترل - دستوری را تحمیل کند. هیچ‌کس بحثی ندارد که باید از هرزه‌نگاری کودکان در فضای مجازی جلوگیری کرد؛ اما باید ساده‌ترین و مقرون‌به‌صرفه‌ترین رویکردی را یافت که مصرف‌کنندگان را توانمند و خیر جامعه را بهینه می‌سازد.

مشکل تنظیم‌گری کنترل - دستوری به سبک کشور ایران موجب هزینه‌های معامله^۲ بالا زیرساخت‌های تنظیم‌گری است که می‌تواند به نتایجی غیربهبوده منجر شود. به این معنا که اگر تنظیم‌گری سنگین (کنترل - دستوری) برای آزادی بیان وضع و از (رویکرد) کشور ایران استفاده شود، دولت‌ها مجبور می‌شوند نوعی بوروکراسی ایجاد کنند و شاید رژیم دولتی بر آزادی بیان بگمارند که قوانین گسترده آزادی بیان را اعمال کند. براین اساس هزینه اعمال چنین تنظیم‌گری نسبتاً بالا بوده و بار سنگینی را بر اقتصاد تحمیل خواهد کرد. با توجه به اندازه این هزینه‌ها، احتمال ناکارآمدی تخصیصی اغلب مقررات دولتی وجود خواهد داشت و دسترسی به راه‌حل‌های جایگزین بادوام برای توانمندسازی کاربران و کدهای موجود امکان‌پذیر نخواهد بود.

در مقابل این روش، همان‌طور که بیان شد، روش خودتنظیمی است. در فضای مجازی، درست همانند دنیای فیزیکی آثار جانبی فراوان‌اند. اما احتمال پیدا کردن راه‌حل‌های خصوصی در فضای مجازی بسیار بیشتر است. دلیلش آن است که کاربران اینترنت برای حذف این هزینه‌های اجتماعی به صورت مستقل و بدون نیاز به تنظیم‌گری دولت، بسیار توانمندتر از هم‌تایان خود در دنیای واقعی هستند.

همان‌طور که لسیگ یادآوری می‌کند، قدرتمندترین نیروی تنظیم‌گری در فضای مجازی قانون نیست، بلکه کد است. بینش اصلی لسیگ این است که کد قانون است.^۳ بنابراین در فضای مجازی، بسیاری از مشکلات مانند هرزه‌نگاری یا سایر شکل‌های گفتار ناپسند را می‌توان فوراً توسط افرادی مدیریت کرد که می‌توانند تصمیم بگیرند فیلتر نصب کنند. از این رو تصمیم والدین، مدارس محلی و جوامع محلی، خودشان درباره کنترل کردن محتوای اینترنتی مفیدتر است. نصب نرم‌افزارهای فیلترینگ برای کاربر نهایی راه‌حل عملی‌تری برای مشکل هرزه‌نگاری در فضای مجازی است.

^۱. Ahlert, Marsden and Yung, op.cit., P 38.

^۲. Transaction cost

^۳. Lessig, op.cit., P 25.

هرچند که فیلترها یا طرح‌های رتبه‌بندی سایت‌ها ناقص هستند و ناهماهنگی‌های موثق فراوانی در نرم‌افزارهای فیلترینگ وجود دارد. علت این امر آن است که فیلترها بعضی سایت‌ها را به اشتباه مسدود می‌کنند، زیرا آنها نمی‌توانند بافتی را که در آن زبان خاصی به کار رفته است متوجه شوند. باین‌حال، تصور بر این است که ابزارهای فیلترینگ و طرح‌های برچسب‌گذاری در آینده کارآمدی بیشتری خواهند داشت؛ از این‌رو، تا حد امکان، اطلاعات مجاز کمتر سانسور خواهد شد. این امر که سیستم‌ها بتوانند به تخصص لازم برای شناخت بافت به بهترین شکل ممکن دست یابند، موضوعی بحث‌برانگیز است.^۱

همچنین، به علت احتمال آسیب‌های جانبی، خودتنظیمی از طریق سازوکارهای فیلترینگ باید با دقت و مسئولیت‌پذیری اجرا شود. البته فروشندگان نرم‌افزارها باید هنگام طراحی این برنامه مسئولانه عمل کنند و کاربران باید در نحوه استفاده از این سیستم‌ها وظیفه‌شناس باشند. بنابراین اولاً استفاده از ابزارهای کنترل محتوا باید کاملاً داوطلبانه باشد. به عبارت دیگر، والدین یا مدارس باید مجاز به تصمیم‌گیری برای محدود کردن محتوای اینترنتی باشند، در حالی که طراحان سایت می‌توانند برای برچسب‌گذاری سایت‌هایشان تصمیم بگیرند. در مقابل، فیلتر کردن به صورت دسته‌بندی یا رتبه‌بندی توسط دولت نامناسب و نسنجیده است. این شیوه راه‌حل یکسانی برای این مشکل تحمیل می‌کند. هم‌زمان، شرکت‌های ارائه‌دهنده خدمات اینترنتی و دیگر واسطه‌ها باید از فیلتر کردن اینترنت به علت هزینه‌نگاری در فضای مجازی خودداری کنند؛ اگرچه آنها می‌توانند به والدین در دفاع از کودکانشان در مقابل محتواهای مستهجن کمک کنند.

ثانیاً سایتی که خودش برچسب‌گذاری می‌کند، برای برچسب‌گذاری صحیح باید صداقت داشته باشد؛ این نوع رتبه‌بندی که به آن شخص اول می‌گویند، بر رتبه‌بندی شخص ثالث ارجحیت دارد؛ زیرا این کار به تولیدکنندگان محتوا امکان دسته‌بندی سایت خودشان را می‌دهد.

ثالثاً، شخص ثالثی که سایت‌ها را رتبه‌بندی می‌کند، باید بکوشد رتبه‌بندی‌های عادلانه، دقیق و هماهنگی انجام دهد. همچنین، باید در قبال سایت‌هایی که مدعی‌اند برچسب‌گذاری‌شان به اشتباه صورت گرفته است و تقاضای بازنگری دارند، به اندازه کافی انعطاف‌پذیر باشد.

رابعاً، باید شفافیت کافی در نرم‌افزارهای مسدودسازی یا طرح‌های رتبه‌بندی وجود داشته باشد. به این معنا که دست‌کم فروشندگان نرم‌افزارهای مسدودسازی باید دسته‌بندی‌هایشان را (مثلاً، فقط برای بزرگ‌سالان، برهنگی) با نمونه‌های فراوان همراه با روش رتبه‌بندی‌شان (مثلاً آیا سایت‌ها با ارزیابی عامل انسانی به فهرست اضافه شده‌اند؟) نشان دهند. در گذشته، فیلترها سایت سازمان ملی زنان و دیگر سایت‌ها را که به دفاع از مضامین فمینیستی می‌پرداختند، مسدود می‌کرد. این مسدودسازی، که زمینه‌آیدئولوژیکی داشت، تحت هر شرایطی نادرست است، مگر آنکه رتبه‌بندی برنامه سیاسی خاصی را اعمال کند که آن را علناً به مراجعه‌کنندگان نشان دهد.

النباهه، از آنجا که کد نقش قانون در فضای مجازی را ایفا می‌کند، باید بتوان آن را رسیدگی و بررسی کرد. شرکت‌های فیلترینگ دلیل می‌آورند که فهرست دسته‌بندی سایت‌های مسدود شده اطلاعات انحصاری است، اما شخص ثالث بی‌طرف را می‌توان برای بررسی و تأیید آن فهرست‌ها به کار گماشت.^۲

^۱. Geoffrey, R, Stone. "Anti-Pornography Legislation as Viewpoint-Discrimination", *Harvard Journal of Law and Public Policy*, 1986, PP 473-474 .

^۲. Ibid, P 475.

نتیجه‌گیری

همان‌طور که در این مقاله بیان شد، اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای بی‌شماری وجود دارد که حق آزادی بیان را به‌عنوان یکی از حقوق اساسی و جهانی انسان به رسمیت می‌شناسند. با این حال، تفسیر این اصل از کشوری به کشور دیگر متفاوت است. بنابراین، پیش از هر چیز، مهم‌ترین نکته این است که تفسیرها یکدست شوند.

حق آزادی بیان، همچون بسیار از حقوق دیگر، مطلق نیست و نه فقط محدودیت‌هایی که توضیح داده شد، بلکه تمام محدودیت‌های آن باید روشن شوند و مهم‌تر از آن، بین همه ذی‌نفعان خصوصاً کشورها همسان باشند. کشورها باید برای عمل به وظیفه خود و حمایت از حق آزادی بیان، نه فقط در قلمرو خودشان، بلکه در سرتاسر جهان فعال‌تر باشند. به‌علاوه، این فرصت باید به فرصتی مشروع تبدیل شود که برای هر جامعه دموکراتیکی مهم است. همان‌طور که در کنوانسیون اروپا آمده، برای انجام دادن تمام تعهدات مثبت و منفی مربوط به این حق، کشورها باید خود را وقف توسعه و بهبود مؤسسات دموکراتیک در سرتاسر جهان کنند. آنها باید موضع یکسان داشته باشند، مبنی بر اینکه آزادی بیان یکی از پیش‌شرط‌های جای اساسی برای هر جامعه باز است. بنابراین، لازم است سند مشترک بین‌المللی تصویب شود که احترام به حق آزادی بیان را به رسمیت بشناسد و به هر فردی امکان دهد بدون ارتکاب هرگونه عمل نامشروع به آن مبادرت ورزد. بحث‌های جدید پیرامون راهبری فضای مجازی باید شتاب بیشتری به خود بگیرد و همه ذی‌نفعان باید در خصوص راهبرد فضای مجازی به نتیجه مشترکی برسند و بلافاصله پس از این مرحله، سایر مسائل (جزئیات حقوق بشر، محاکمه قضایی، قابلیت اعتماد و غیره) باید برطرف شود. همان‌طور که پرونده‌های مختلف نشان می‌دهند، فضای مجازی در خصوص مقررات و سیاست‌ها نه می‌تواند خودآموز باشد و نه می‌تواند با کشورها یا احزاب خاصی کار کند؛ بلکه به همه اعضای جامعه نیاز دارد.

در خصوص نفرت‌پراکنی به‌عنوان یکی از سوءاستفاده‌های احتمالی از آزادی بیان، کشورهای مختلف مقررات قانونی متفاوتی دارند؛ چیزی که در فرانسه یا آلمان غیرقانونی است، در ایالات متحده آمریکا قانونی به شمار می‌رود. باید بین سخنانی که سایرین را آزار می‌دهند و سخنانی که در محدوده حق آزادی بیان هستند، تمایز قائل شد. شرکت‌های ارائه‌دهنده خدمات اینترنتی باید از قوانین کشوری که در آن فعالیت می‌کنند مطلع باشند. کشورها باید قوانین خود را بازبینی کنند و به‌جای روش‌های منفی، راهکارهای فعال را در پیش بگیرند. لذا از آنجا که غالباً همین‌طور است، نفرت‌پراکنی هیچ توجیه و استدلالی ندارد. دولت‌ها و دیگر ذی‌نفعان، خصوصاً سازمان‌های حقوق بشر، باید در افزایش آگاهی مردم از اهمیت، مزایا و زیبایی تنوع، نقش فعالی داشته باشند.

در خصوص حمایت از کودکان، همه ذی‌نفعان باید در کنار هم همکاری و حمایت‌های لازم را فراهم کنند. این مسئله به‌طور اخص به سوءاستفاده از کودکان در هرزه‌نگاری برمی‌گردد؛ در این گونه موارد، دولت‌ها و سازمان‌ها باید باهم همکاری کنند تا مانع از انتشار این مطالب شوند و با پیدا کردن مجرمان، آنها را تحت پیگرد قانونی قرار دهند. برخورد با هرزه‌نگاری بزرگ‌سالان یا مطالب آسیب‌زننده به همه اعضای جامعه مربوط است؛ در این میان، خانواده و جوامع محلی نقش بسیار مهمی ایفا می‌کنند. با این حال دولت باید پروژه‌هایی با هدف تأمین اطلاعات و مهارت بیشتر برای جامعه (یعنی بزرگ‌سالان) و افزایش کارایی کاربران در پیش بگیرد.

در کشور ایران نیز تاکنون دولت در زمینه کنترل اینترنت صرفاً به برخوردهای قضایی بسنده کرده و از به‌کارگیری سایر نهادهای مرتبط بازمانده و در زمینه کنترل آسیب‌های اینترنتی موفقیت چندانی نداشته است؛ لذا استفاده از ظرفیت‌های نهادهای مدنی می‌تواند رسیدن به نتیجه را تسهیل کند.

منابع

کتاب

۱. انصاری، باقر، *حقوق رسانه*، تهران: سمت، چاپ دهم، ۱۳۹۰.
۲. جهانگرد، نصرالله و خسرو سلجوقی، *مجموعه قوانین و مقررات فناوری اطلاعات و ارتباطات ایران*، تهران: دبیرخانه شورای عالی اطلاع‌رسانی، ۱۳۸۳.

مقاله

۳. باباخانی، مرضیه و احمد قاسمی، «بررسی حقوقی هرزه‌نگاری از منظر قانون مجازات اسلامی و راه‌های مقابله قانونی با آن در ایران»، *پژوهشنامه مطالعات راهبردی در علوم انسانی و اسلامی*، دوره ۱، شماره ۲، ۱۳۹۵.
۴. زارعی، محمدحسین و عرفان شمس، «درآمدی بر مفاهیم و نظریه‌های مقررات‌گذاری اقتصادی»، *فصلنامه تحقیقات حقوقی*، دوره ۱۶، شماره ۶۱، ۱۳۹۲.

منبع الکترونیک

۵. سایت مجلس شورای اسلامی ایران: <https://rc.majlis.ir/> (آخرین بازدید: ۱۳۹۸/۰۵/۲۰)

References

Books

1. Ahlert, C., Marsden, C. and Yung, C. *How 'Liberty' Disappeared from Cyberspace: The Mystery Shopper Tests Internet Content Self-Regulation*, 2004.
2. Ansari, Bagher, *Media Laws*, Tehran: Samt, 10th edition, 2011. (in Persian)
3. Baker, C. E. *Human Liberty and Freedom of Speech*, London: Oxford University Press, 1989.
4. Bollinger, Lee. *The Tolerant Society*, USA: Oxford University Press, 1988.
5. Jahangard, Nasrollah and Khosro Saljoughi, *Collection of Laws and Regulations of Information and Communication Technology of Iran*, Tehran: Secretariat of the Supreme Council of Information, 2004. (in Persian)
6. Lessig, Lawrence. *Code and Other Laws of Cyberspace*, New York, 1999.
7. Lessig, Lawrence. *CODE Version 2.0*, New York, 2006.
8. Mill, John Stuart. *On Liberty in focus*, Routledge 11 New Fetter Lane, London EC4P 4EE, First Edition, 1991, P 23.

Articles

9. Aronsson, Thomas and Karl-Gustaf Löfgren. "Welfare Theory: History and Modern Results, Department of Economics Umeå University", 2007.
10. Babakhani, Marzieh and Ahmd Ghasemi, "legal review of pornography from the perspective of Islamic Penal Code and legal ways to deal with it in Iran", *Research Paper of Strategic studies in humanities and Islamic sciences*, Volume 1, Issue 2, 2016. (in Persian)
11. Berman, p. "How (If at all) to regulate the internet: cyberspace and the state action debate", *university of colrado law review* 71, 2000.
12. Delgado, Richard and Jean Stefancic, "Hate Speech in Cyberspace", *Wake Forest Law Review*, 2014.
13. Geoffrey, R, Stone. "Anti-Pornography Legislation as Viewpoint-Discrimination", *Harvard Journal of Law and Public Policy*, 1986.

14. Kevin F. O'Neill. "A First Amendment Compass: Navigating the Speech Clause with a Five-Step Analytical Framework", *Southwestern University Law Review*, Volume 223, 2000.
15. Le Menestral, M., Hunter, M. and de Bettignies, H-C. "Internet e-ethics in Confrontation with an Activists' Agenda: Yahoo! on Trial", *Journal of Business Ethics* 39, Netherlands: Kluwer Academic Publisher, 2002.
16. Resnick, P. and Miller, J. "PICS: Internet Access Controls Without Censorship", *Communications of the ACM*, 39 (10), 1996.
17. Tribe, L. "The internet vs.the first amendment", *New York Times*, April 1999.
18. Zarei, Mohammad Hossein and Erfan Shams, "An Introduction to the Concepts and Theories of Economic Regulation", *Legal Research Quarterly*, Volume 16, Issue 61, 2013. (in Persian)

Documents

19. Commentary on the Norms on the Responsibilities of Transnational Corporations and Other Business Enterprises with Regard to Human Rights, U.N. Doc. E/CN.4/Sub.2/2003/38/Rev.2, E12, 2003.
20. Declaration on Freedom of Communication on the Internet, 2003.
21. Declaration on Human Rights and the Rule of Law in the Information Society Internet, 2005.
22. Human Rights in the Information Society, Spring 2011.
23. Organization for Security and Co-operation in Europe (Adopted by the Committee of Ministers on 28 May 2003 at the 840th meeting of the Ministers' Deputies), May 2003.
24. THE DIGITAL MILLENNIUM COPYRIGHT ACT OF 1998 U.S. Copyright Office Summary, No. 105-304, 112 Stat. 2860, 1998.

Internet Sources

25. Fisher, W. *freedom of expression on the internet*, 2001, Available at: <http://eon.law.harvard.edu/ilaw/speech/> (Last visited on 7/07/2018).
26. http://www.epic.org/cda/cda_decision.html#majority/ (Last visited on 10/09/2019).
27. <http://www.techlawjournal.com/topstories/2006/20060112.asp/>
28. https://www.europarl.europa.eu/meetdocs/2014_2019/documents/libe/dv/7_conv_budapest/ (last visited on 10/07/2019)
29. <https://www.osce.org/fom/31584?download=true> (Last visited on 10/09/2019)
30. <https://www.aihrc.org.af/media/files/Laws/Elamia%20ha/Elamiya%20huquqe%20bashar.pdf> (Lasted visited on 10/10/2018).
31. <https://www.aepdc.ir/portal/file/?248268/E-310002.pdf> (last visited on 12/08/2019).
32. http://www.google.com/intl/sr/terms_of_service.html (Last visited on 10/08/2019).
33. <https://policies.yahoo.com/us/en/yahoo/terms/index.htm> (Last visited on 10/08/2019)
34. <http://www.selfregulation.info/iapcoda/0405-iapcode-final.pdf> (Last visited on 10/07/2019).
35. Yahoo! Terms of Service; n.d., Retrieved October 22, 2006 from: <http://info.yahoo.com/legal/us/yahoo/utos/utos-173.html/>
36. <http://citizensrights.ir> (Lasted visited on 10/10/2018).
37. <http://www.maqsoumi.ir/> (Last visited on 2/04/2019).
38. <https://rc.majlis.ir/> (Last visited on 11/08/2019). (in Persian).
39. <http://www.w3.org/Press/PICSREC-PR.html> (last visited on 12/08/2019).
40. <http://www.unic-ir.org/hr/convenant-cp.htm> (last visited on 2/04/2019).
41. Cyber-Rights and Cyber-Liberties (UK), 1997, Retrieved August 1, 2006 form: <http://www.cyber-rights.org/censorship/aclu.htm/> (Last visited on 10/09/2019).
42. <http://www.inhope.org/en/facts/age.html/> (Lasted visited on 10/10/2018).

*This page is intentionally
left blank.*